



The Methodology of Teaching the Quran and Religious Teachings to Children in the Declaration of the Second Step Emphasizing on the Conduct (Sirah) of the Prophet (PBUH) and the Ahl al-Bayt (A.S) *

Zainab Tayyebi^۱

Abstract

Education is one of the most basic functions of any educational system that learning is the product of its final process and makes changes in the construction of knowledge, orientation and ability of learners. Since the sacred religion of Islam is a guiding system, it contains the highest transcendent insights, attitudes, guidance needs, and the factors of transcendence and degeneration of human life in this world and the Hereafter. According to the mission of the prophets and saints in guiding mankind, flourishing wisdom and empowering the human will to achieve perfection and happiness in this world and the Hereafter, the first step of preaching the Quran and religious education is elaborated in the life of the Prophet of the Ahl al-Bayt. This research is based on the spirit of perfectionism and the innate need of human beings to establish and follow a superior model and to adapt various matters of life to models on the one hand and on the other hand with reference to Quranic verses and Islamic narrations in introducing the Messenger of God (PBUH) and the family of infallibility and purity (A.S) as the supreme model for the establishment of human beings, tries to describe their methods in the teaching and learning the Quran and religious teachings to children in the declaration of the second step of the Islamic Revolution by descriptive-analytical method and using written library resources. Findings indicate that reading-oriented, pattern-oriented, game-oriented, encouragement-oriented, practice-oriented and motivation-oriented education is one of the most important methods of teaching the Quran and religious teachings to children in the declaration of the second step of the Islamic Revolution based on the conduct (sirah) of Prophet and Ahl al-Bayt (A.S).

Keywords: Methodology, Teaching the Holy Quran, The Prophet (PBUH), Ahl al-Bayt (A.S), The Declaration of the Second Step of the Islamic Revolution.

*. Date of receiving: ۱۲, September , ۲۰۲۰- Date of approval: ۴, October, ۲۰۲۱.

^۱. Assistant Professor of Quranic and Hadith Sciences, Farhangian University, Tehran, Iran.
ztayyebi66@gmail.com .



روش‌شناسی آموزش قرآن کریم و تعالیم دینی به کودکان در گام دوم انقلاب اسلامی با تأکید بر سیره پیامبر ﷺ و اهل بیت ^{علیهم السلام}*

زینب طیبی^۱

چکیده

آموزش از اساسی‌ترین کارکردهای هر نظام آموزشی است که یادگیری محصول فرایند نهایی آن است و تغییراتی را در ساخت شناخت، گرایش و توانش یادگیرندگان ایجاد می‌کند. از آنجاکه آیین مقدس اسلام نظامی هدایت‌گر است، در بردارنده متعالی‌ترین بینش‌ها، نگرش‌ها، نیازمندی‌های هدایتی و عوامل تعالی و انحطاط حیات دنیوی و اخروی انسان است. با توجه به رسالت انبیاء و اولیای الهی در هدایت بشر، شکوفاسازی خرد و قدرت بخشیدن به اراده انسان برای وصول به کمال و سعادت دنیوی و اخروی، نخستین گام اشاعه قرآن و تربیت دینی در سیره پیامبر ﷺ و اهل بیت ^{علیهم السلام} تبلور یافته است. این جستار بر اساس روح کمال‌طلبی و نیاز فطری افراد بشر برای تأسی و پیروی از الگویی برتر و منطبق نمودن امور مختلف زندگی با اسوه‌ها از یک‌سو و از دیگر سو با عنایت به آیات و روایات اسلامی در معرفی رسول خدا ﷺ و خاندان عصمت و طهارت ^{علیهم السلام} به‌عنوان برترین الگو برای تأسی بشر، تلاش می‌کند با روش توصیفی-تحلیلی و بهره‌گیری از منابع مکتوب کتابخانه‌ای، روش‌های ایشان در آموزش و یادگیری قرآن و تعالیم دینی به کودکان را در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی ترسیم کند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که آموزش اقراءمحور، الگومحور، بازی‌محور، تشویق‌محور، تمرین‌محور و انگیزه‌محور، از مهمترین شیوه‌های آموزش قرآن و تعالیم دینی به کودکان در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی با تکیه بر سیره پیامبر ﷺ و اهل بیت ^{علیهم السلام} است.

واژگان کلیدی: روش‌شناسی، آموزش قرآن کریم، پیامبر ﷺ، اهل بیت ^{علیهم السلام}، گام دوم انقلاب

اسلامی.

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۶/۲۲ و تاریخ تایید: ۱۴۰۰/۷/۱۲.

^۱ - استادیار علوم قرآن و حدیث، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران. ztayyebi62@gmail.com



مقدمه

بر اساس آیات و روایات اسلامی، شخصیت بافضیلت و پر برکت رسول خدا، آسوه و الگوی تمام عیار بشریت است و آن وجود بزرگوار، تمامی فضایل اخلاقی و مناصب الهی را در خود گرد آورده و خاتم پیامبران و آسوه آسوه هاست: ﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا﴾ (احزاب/۲۱)؛ بی‌شک، برای شما در [اقتدا به] رسول خدا سر مشقی نیکوست؛ برای آنکه به خدا و روز بازپسین امید دارد و خدا را فراوان یاد میکند.

در تفسیر این آیه آمده است که واژه «آسوه» به معنای اقتدا و پیروی است و مقصود از «فی رسول الله»، آسوه بودن آن بزرگوار و معنای آن، پیروی از آن حضرت است. عبارت «لکم فی رسول الله» که استمرار و استقرار در گذشته را افاده می‌کند، به این مطلب اشاره دارد که پیروی از آن حضرت وظیفه‌ای همیشگی و ثابت است و مسلمانان باید در همه اعمال، رفتار و وظایف خود از این سرچشمه عظیم الهی الگو بگیرند؛ زیرا یکی از احکام رسالت پیامبر خدا و نشانه‌های ایمان آوردن مسلمانان آن است که از گفتار و رفتار پیامبر ﷺ پیروی کنند (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۶: ۲۸۸/۱۳۷۹). امیر مؤمنان علی علیه السلام درباره برجسته‌ترین آسوه و نمونه حسنه می‌فرماید: «پس به پیامبر پاکیزه و پاکت اقتدا کن که راه و رسم او الگویی است، برای الگوظلبن و مایه فخر و بزرگی است برای آن که خواهان بزرگواری باشد و محبوبترین بنده نزد خدا کسی است که از پیامبرش پیروی کند و قدم بر جای قدم او نهد» (شریف رضی، نهج البلاغه، ۱۳۸۰: خطبه/۱۶). آن حضرت در فرازی دیگر از همین خطبه فرموده است: «برای تو کافی است که از راه و رسم زندگی پیامبر اسلام پیروی کنی تا راهنمایی خوبی برای تو در شناخت بدی‌ها و عیب‌های دنیا و رسواییها و زشتی‌های آن باشد».

از دیدگاه امیر مؤمنان علی علیه السلام، نه تنها رسول خدا اسوهای کامل و تمام عیار است، بلکه هیچ انسانی از پیروی آن حضرت بی‌نیاز نیست و حتی در صورت نافرمانی از این آسوه، در معرض هلاکت و نابودی قرار خواهد گرفت. از این رو، خود نیز پس از آخرین فرستاده خدا، الگویی نمونه و کامل برای انسان هاست. رسول خدا که برجسته‌ترین آسوه در شریعت اسلام است، درباره الگوپذیری از برترین نمونه‌ها پس از خود می‌فرماید:

«هر کس دوست داشته باشد، چون من زندگی کند و چون من بمیرد و در باغ بهشتی که پروردگام



پرورده است، جای بگیرد، باید پس از من علی را دوست بدارد و دوست او را هم دوست بدارد و به پیشوایان پس از من اقتدا کند که آنان عترت من هستند و از طینتم آفریده شده‌اند و از درک و دانش برخوردار هستند و وای بر آن گروه از امت من که برتری آنان را انکار و پیوندشان را با من قطع کنند که خداوند شفاعت مرا شامل حال آنان نخواهد کرد» (فیروزآبادی، فضایل الخمسة من الصحاح الستة، ۱۳۹۲: ۱/۱۷۰).

آن حضرت در روایتی دیگر درباره زیباترین و کامل‌ترین أسوه پس از خود می‌فرماید: «من پرورده خدایم و علی پرورده من است» (طبرسی، مکارم الاخلاق، ۱۹۷۲: ۱۷). امام علی نیز که تربیت یافته برترین مربی بود، درباره تربیت خویش در دامان محرم وحی الهی می‌فرماید: «پیامبر را خداوند متعال تربیت کرد و او مرا و من، مؤمنان را تربیت می‌کنم و برای بزرگواران، ادب به ارث می‌گذارم» (مجلسی، بحار الأنوار، ۱۴۰۳: ۲۸۶/۷۴).

بر اساس این هم‌ریشگی و نزدیکی امیر مؤمنان علیه السلام با پیامبر صلی الله علیه و آله (ر.ک: شریف رضی، نهج البلاغه، ۱۳۸۰: خطبه/۱۹۲)، شباهت و سنخیت فراوانی میان سخنان و سیره امام علی علیه السلام و رسول خدا صلی الله علیه و آله وجود دارد. امام علی علیه السلام در بوستان پیامبر خدا شکوفا شد، رشد کرد و افزون بر قرابت نسبی با رسول خدا صلی الله علیه و آله، با آن حضرت قرابت روحی و تربیتی نیز یافت و به تعبیر خود حضرت علی علیه السلام، مانند روشنایی یک چراغ شدند: «من و رسول خدا مانند روشنایی یک چراغ هستیم، یا چون آرنج به یک بازو پیوسته‌ایم» (همان: نامه/۴۵).

بنابراین نیاز به أسوهای حسنه و انسانی کامل که در تمام جنبه‌ها بتوان از وی پیروی کرد، امری ضروری و انکارناپذیر است. انسانها به حکم بندگی و عبودیت خداوند متعال باید کردار و گفتار خویش را در همه مراحل زندگی، با قوانین اسلام و اصول عملی آن هماهنگ سازند (صدر، درس فی علم الرسول، ۱۹۷۸: ۱/۳۵). برای دستیابی به این عمل ایمانی، به الگوها و میزانهای عملی نیاز است که میزان اکبر (ر.ک: کنانی، تذکره السامع و المتکلم فی أدب العالم و المتعلم، بی تا: ۱۲) رسول خداست و پس از آن حضرت، امامان معصومان علیهم السلام سر مشق انسانها در همه عرصه‌های زندگی دنیوی و اخروی هستند و بر پیروان خاندان عصمت و طهارت است که از این پیشوایان دینی پیروی کنند؛ آن گونه که امیر مؤمنان علیه السلام در راه سیر و سلوک حقیقی و کسب فضایل اخلاقی و انسانی پا در جای پای پیامبر نهاد.



با توجه به آنکه قرآن کریم کامل‌ترین کتاب انسان‌سازی و شایسته‌ترین نسخه شفابخشی است که از ناحیه خداوند برای هدایت بشر و شکوفاسازی خرد و قدرت بخشیدن به اراده انسان برای وصول به کمال و سعادت دنیوی و اخروی نازل شده و در فرازهای متعدد این معجزه جاوید، بر مهمترین هدف نزول قرآن، یعنی تربیت و هدایت انسان تأکید شده است، آموزش قرآن و تبیین آموزه‌های دینی و هدایتی این کتاب الهی در درجه نخست از ناحیه پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم السلام وقوع پیوسته است و در درجه بعد، مفسران و اندیشمندان اسلامی به این مهم پرداخته‌اند. پس از انقلاب اسلامی ایران نیز با پیدایش و رشد علوم اسلامی، توجه به مقوله قرائت قرآن کریم و مفاهیم آن هم به لحاظ علمی و نظری و هم به لحاظ فنی و هنری، جایگاه ویژه‌ای یافته است و این مهم از خدمات اثرگذار انقلاب اسلامی برای مردم، بخصوص نسل جوان است (ر.ک: امینی تهرانی و شهیدی‌پور، نقش انقلاب اسلامی در گسترش پژوهش‌های فنون قرائت، مطالعات قرائت قرآن، شماره ۱۱: پاییز و زمستان ۹۷). رهبر معظم انقلاب اسلامی که معتقد است امت اسلامی برای برون‌رفت از مشکلات خود باید به قرآن پناه ببرد و تلاوت و قرائت و حفظ قرآن مقدمه فهم و عمل آن است (بیانات رهبری، ۱۳۸۰/۷/۲۶)، بر جبران عقب‌افتادگی‌های آموزش کلام الله مجید تأکید نموده، می‌فرمایند:

«ما در جامعه خودمان مبالغه زیادی از آموزش قرآن، عقب‌افتادگی داریم. باید این‌ها را جبران کنیم. اگر جوان مسلمان با قرآن انس پیدا کند و فرصت تدبّر در قرآن را به خود بدهد، بسیاری از شبهات دشمنان بی‌اثر خواهد شد. البته همه دستگاه‌های فرهنگی کشور باید کمک کنند. باید مفاهیم قرآنی به وسیله خبره‌های این کار دسته‌بندی شود و به تناسب در جای خود و در کتاب‌های درسی - چه در مدرسه‌ها و چه در دانشگاه‌ها - گنجانده شود. این ارتباط باید دائمی باشد (بیانات رهبری در جمع حافظان و قاریان نونهال و نوجوان کشور، ۸۰/۶/۲۸).

از آنجا که بنا به فرمایش مقام معظم رهبری، جامعه اسلامی برای نیل به تمدن نوین اسلامی به نیروسازی و تربیتی گسترده‌تر و کیفی‌تر از جوانان تربیت شده در گام اول نیازمند است (ر.ک: بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، ۹۷/۱۱/۲۲) و آموزش قرآن برای تربیت دینی نسل چهارم انقلاب اسلامی ضروری است، با وجود نگارش آثاری مانند «نقش انقلاب اسلامی در گسترش پژوهش‌های فنون قرائت» نوشته محمد امینی تهرانی و محمد رضا شهیدی‌پور، «اصول و روشهای آموزش مفاهیم دینی به کودکان» نگاشته علی مقدسی‌پور و «روش‌شناسی آموزش ارزش‌های اخلاقی و دینی» نوشته سید حمیدرضا علوی و مهناز حاج غلامرضایی، این نوشتار با روش تحقیق توصیفی - تحلیلی و بهره‌گیری



از منابع مکتوب کتابخانه‌ای می‌کوشد در نخستین اثر مستقل فارسی، روش‌های پیامبر ﷺ و ائمه ﷺ در آموزش و یادگیری قرآن و تعالیم دینی به کودکان را در گام دوم انقلاب اسلامی ترسیم کند.

روش‌شناسی سیره معصومین ﷺ در آموزش قرآن و تعالیم دینی در گام دوم انقلاب اسلامی

با وجود اهمیت جایگاه قرآن و ضرورت تأسی از سیره پیشوایان دینی در آموزش قرآن و تعلیمات دینی به مخاطبان گسترده آن در گام دوم انقلاب اسلامی به‌ویژه کودکان، پژوهش در این مسأله به دلیل وجود روایات اسرائیلی و نامعتبر، محدود بودن روایات صحیح در شناخت سیره و منش پیامبر ﷺ و اهل بیت ﷺ در آموزش قرآن به کودکان و نبود نظام روش‌شناختی دقیق در بررسی سیره پیامبر ﷺ و اهل بیت ﷺ در آموزش قرآن و تعالیم دینی به کودکان، با دشواری‌هایی مواجه است. با این همه این نوشتار می‌کوشد با بهره‌گیری از منابع معتبر تاریخی و روایی، گوشه‌هایی از سیره ایشان را تبیین کند؛ چرا که اصل آموزش و ترویج قرآن و معارف آن به کودکان، همواره در سیره معصومین ﷺ مطرح بوده است.

۱. آموزش اقرء محور (شنیداری-گفتاری) قرآن و تعالیم دینی

خداوند متعال، قرآن کریم را بر رسول خود فرو فرستاد و او را به تلاوت آیات وحی بر بندگان و تعلیم کتاب و حکمت به ایشان موظف نمود (جمعه/۲). آن حضرت به عنوان نخستین معلم قرآن، آیات وحی را بر گروه‌های مختلف مردم می‌خواندند و مؤمنان به تلاوت نیکوی ایشان گوش جان می‌سپردند. پس از اهل بیت ﷺ نیز ضمن آموزش تلاوت قرآن، شیوه بهره‌گیری از آموزه‌های قرآن و کاربست آن در ابعاد مختلف حیات فردی و اجتماعی مسلمانان را مطرح می‌کردند و پیوسته می‌کوشیدند، حجاب‌های مستور و غیرمستور میان قرآن و بشر را بر طرف سازند. بی‌شک مشاهده وجود مقدس پیامبر ﷺ و اهل بیت ﷺ به‌عنوان کاملترین الگوهای حیات دنیوی و اخروی بشر بر مسند اقرء و تعلیم قرآن از زیباترین جلوه‌های سیره پیامبر ﷺ و اهل بیت ﷺ برای نسل چهارم انقلاب اسلامی است. از آنجا که بنا بر فرمایش امام علی علیه السلام فرموده‌اند: «حق فرزند بر پدر این است که به او قرآن خواندن بیاموزد.» (شریف رضی، نهج البلاغه، ۱۳۸۰: حکمت/۳۹۹)، پیامبر ﷺ به‌عنوان پدر امت اسلامی: «من و علی پدران این امت هستیم» (صدوق، عیون أخبار الرضا، ۱۳۷۸: ۱۳۷/۲؛ صدوق، علل الشرایع،

بی تا: ۱/۱۲۸)، به این مهم عنایت داشته‌اند و سرمشقی نیکو برای آموزش قرآن به مسلمانان بوده‌اند. پیامبر ﷺ برای آموزش قرآن، نظام سمعی (اقراء) را برگزیدند و کوشش کردند این روش را در میان مسلمانان رواج دهند. اِقرأ آیات وحی، سه مرحله اساسی اِسماع، اِستماع و اِتِّباع را در بر دارد؛ چنانکه خداوند روش آموزش قرآن به پیامبر را این‌گونه بیان فرموده است: ﴿سَنُقْرِئُكَ فَلَا تَنسَى﴾ (اعلیٰ/۶)؛ «ما به‌زودی (قرآن را) بر تو می‌خوانیم و هرگز فراموش نخواهی کرد.» در این روش، مربی، آیات وحی را بر متربی، با تائی و کلمه به کلمه به صورتی روشن و با صدایی گویا و رسا قرائت می‌کند (اِسماع) و متربی پس از انصات، یعنی سکوت همراه با توجه و گوش فرا دادن (اِستماع) به هر فراز قرآنی، آن را تکرار می‌کند (اِتِّباع). این جریان آیات از زبان مربی به سوی متربی و جریان دوباره همان آیات بر زبان متربی و بازگشت آنها به سوی گوش مربی تا آنجا ادامه می‌یابد که آیات مورد نظر از قلب و زبان مربی به قلب و زبان متربی منتقل شوند و متربی نیز عیناً مانند ربی، حامل و مربی همان آیات کریمه شود (ر.ک: خوش‌منش، تحقیقی در ابعاد مسأله حمل قرآن کریم، ۱۳۷۸). به نظر می‌رسد توجه به نکات ذیل در مورد کارایی قوه سامعه می‌تواند اهمیت روش شنیداری-گفتاری رسول خدا را بیشتر نمایان کند:

یک. حسّ شنوایی به طور مستقیم و بدون هیچ فاصله‌ای پس از تولّد دوباره به کار می‌افتد؛ زیرا نوزاد به محض تولّد و حتی قبل از آن در دوران جنینی، می‌تواند صداها را بشنود.

دو. حسّ شنوایی (گوش) همیشه و همه جا، چه در روشنایی و چه در تاریکی، وظیفه خود را بدون وقفه انجام می‌دهد.

سه. اگر شنوایی از دست برود، فراگیری زبان به‌عنوان مهمترین ابزار برقراری ارتباط و تبادل افکار و تجربیات، امری دشوار و تقریباً ناممکن خواهد بود، ولی در صورت از دست دادن قوه بینایی، فراگیری زبان و تحصیل علوم، امکان‌پذیر است (همان)؛ چنانکه در میان صحابه، افراد نابینایی بودند که به برکت اجرای این روش، موفق به فرا گرفتن قرآن شدند و حتی در زمره معلّمان و مقربان بزرگ قرآن درآمدند. عبدالله بن أمّ مکتوم، یکی از آن افراد بود که همراه مُصعب بن عمیر، نقش بزرگی در آموزش و ترویج قرائت قرآن در یثرب (مدینه)، قبل از ورود پیامبر به آن شهر داشت (حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، بی تا: ۲/۶۶).

از جمله قرائن متعدد روش شنیداری-گفتاری در سیره نبوی، روایتی است که در آن حضرت علی علیه السلام به روش قرآن آموختن خود نزد پیامبر اکرم ﷺ اشاره کرده است: «هیچ آیه‌ای نازل نمی‌شد، مگر آنکه حضرت رسول آن را بر من اِقرأ می‌فرمود و می‌خواند و من می‌شنیدم و تکرار می‌کردم و



پس از آن، همان آیه یا آیات را بر من املاء می‌کردند و من با خط خود آنها را می‌نوشتم (حویزی، تفسیر نورالثقلین، ۱۴۱۵: ۳۱۸/۱). در کتاب‌هایی مانند: «جمال القراء و کمال الاقراء»، «المرشد الوجیز»، «مناهل القرآنیة و القراءات القرآنیة» نیز می‌توان به قرائن بسیاری، مبنی بر اینکه روش آموزش قرآن در سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، «اقراء آیات الهی» و «آموزش سمعی» بوده است، دست یافت. از جمله آنها روایتی از عبدالله بن مسعود است که می‌گوید: «هفتاد سوره از قرآن کریم را که خود از دهان پیامبر صلی الله علیه و آله شنیده و یاد گرفته بودم بر آن حضرت عرضه کردم و دوباره خواندم» (مجلسی، بحار الأنوار، ۱۴۰۳: ۴۹/۸۹). ابی شامه مقدسی می‌گوید: «اصحاب رسول الله صلی الله علیه و آله به همان قرائتی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آیات را بر آنها اقراء نموده بودند، آیات را تلاوت می‌کردند» (ابی شامه، المرشد الوجیز الی علم تتعلق بالکتاب العزیز، بی تا: ۶۸).

سخاوی در بیان گوشه‌ای از فرهنگ آموزش قرآن در عهد نزول آورده است که معلّمان قرآن در صدر اسلام، با اقتدا به شخص پیامبر صلی الله علیه و آله، آیات قرآن را بر متعلمین می‌خواندند [تا بشنوند و تکرار کنند، و بدین شیوه قرآن را بیاموزند]، چنانکه شخص پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز کتاب خدای عزّوجل را همانگونه که امر شده بود بر مردم تلاوت می‌فرمودند و دقیقاً به این شکل بود که جبرئیل، قرآن را به آن حضرت عرضه می‌کرد، چنانکه خدای تعالی فرموده است: ﴿فاذا قراناه فاتبع قرانه﴾ (قیامت/۱۸)؛ معلّمان قرآن در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله به کسی که قصد یادگیری قرآن را داشت، آیات را به صورت پنج آیه پنج آیه آموزش می‌دادند و می‌گفتند که جبرئیل نیز به همین شکل آیات را به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تلقین و تعلیم نموده است (ر.ک: سخاوی، جمال القراء و کمال الإقراء، ۱۴۱۹: ۲۱۳-۲۱۵/۲).

در «مناهل العرفان» آمده است که پیامبر اکرم برای آموزش قرآن به کسانی که از جامعه مسلمین دور بوده‌اند، کسانی را می‌فرستاد تا برای ایشان قرآن را اقراء کنند و با بهره‌گیری از نظام سمعی، قرآن را آموزش دهند، چنانکه مصعب بن عمیر و ابن أم مکتوم را قبل از هجرت به مدینه فرستادند و معاذ بن جبل را نیز پس از هجرت برای اقراء آیات به مکه فرستادند (زرقانی، مناهل العرفان فی علوم القرآن، بی تا: ۲۴۲/۱). در «جمال القراء» روایت دیگری آمده است که حاکی از رشد و گسترش فرهنگ آموزش سمعی و اقرائی در بین صحابه و تشویق نبوی از آن، است. ابو عبید از سهل بن سعد أنصاری نقل می‌کند که روزی رسول خدا بر ما وارد شدند، در حالی که ما مشغول اقراء و آموزش آیات به یکدیگر بودیم و سوره‌هایی را که یاد گرفته بودیم اقراء می‌کردیم، در این لحظه پیامبر صلی الله علیه و آله



فرمودند: «الحمد لله! کتاب خدای عزوجل برای سرخ و سیاه یکی است. قرآن بخوانید، قرآن بخوانید پیش از آن که گروهی بیایند که قرآن را مانند کوله‌پشتی به پشت خود بیندازند» (ر.ک: سخاوی، جمال القراء و کمال الإقراء، ۱۴۱۹: ۲۶۹-۲۷۰/۲).

بنابراین نظام آموزش شنیداری (سمعی) قرآن به عنوان روش آموزش قرآن با نام اقرار، در سیره پیامبر اکرم ﷺ جای داشته و همواره بر آن تأکید شده است؛ چراکه شیوه قرآن آموختن پیامبر ﷺ نیز چنین بوده است و آن حضرت آیات الهی را می‌شنید و تکرار می‌کرد تا در سینه مبارکشان جمع و حفظ شود. در همین زمینه مولی محسن فیض کاشانی در تفسیر آیه «فاذا قرأناه فاتبع قرآنه» (قیامت/۱۸) گفته است که مراد از آن این است که هنگامی که قرآن را بر تو قرائت می‌کنیم، به وسیله تکرار، از قرائت ما دقیقاً تبعیت کن تا آیات الهی در ذهن و قلبت جای گیرد و مستقر شود (ر.ک: فیض کاشانی، تفسیر صافی، ۱۳۷۳: ۷۶۶/۲). در تفسیر شبر نیز آمده است که «فاذا قرأناه فاتبع قرآنه»؛ یعنی هنگامی که ما به واسطه جبرئیل بر تو قرآن را تلاوت می‌کنیم، پس از شنیدن آن قرائت، دقیقاً تبعیت نما و آنرا تکرار کن (ر.ک: شبر، تفسیر القرآن الکریم، بی تا: ۵۴۱). علامه طباطبایی (ره) نیز در بیان معنای این آیه، فرآیند اقرار را با زیبایی بیان می‌نمایند و می‌گویند: «فاذا قرأناه فاتبع قرآنه»؛ یعنی هنگامی که به وسیله وحی، قرائت آیات الهی انجام شد و به پایان رسید از این قرائت، تبعیت نما و پس از اتمام قرائت ما، بخوان و تکرار کن» (ر.ک: طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۹: ۱۹۵/۲).

۲. آموزش الگو محور قرآن و تعلیم دینی

از مهمترین شیوه‌های آموزش قرآن و مفاهیم قرآنی به کودکان در گام دوم انقلاب اسلامی، روش الگوگیری است. در آیین مقدس اسلام و سیره پیشوایان دینی این روش برای تربیت و تعالی انسان مورد توجه قرار گرفته است؛ زیرا شخصیت الگو محور رشد و هدایت‌های اخلاقی - تربیتی قرار می‌گیرد و در شکل‌گیری رفتار تربیت‌شونده آثار قابل توجهی خواهد داشت. از این رو در قرآن کریم الگوهای صحیحی تعیین شده و بر پیروی از ایشان توصیه شده است. افزون بر این، نیاز به الگو یکی از نیازهای طبیعی انسان است که او را وادار می‌کند با در نظر داشتن الگوی مورد نظر، تلاشی هدفدار و آگاهانه را برای رسیدن به ویژگی‌های رفتاری و اخلاقی الگو در پیش گیرد. در سفارشات پیامبر ﷺ آمده است که والدین آنچه را که کودک در توان خود داشته و انجام داده است از او قبول کنند؛ آنچه را که انجام آن برای کودک سنگین و طاقت فرساست، از او نخواهند؛ کودک را به گناه و سرکشی وادار نکنند و والدین خود نیز به کودک دروغ نگویند و در برابر او مرتکب اعمال احمقانه نشوند (ر.ک: کلینی،



الكافی، ۱۴۰۷: ۵۰/۶). این سفارش به روشنی بر نقش والدین و مربیان به عنوان تأثیرگذارترین الگوهای تربیت دینی فرزندان دلالت دارد. در رساله جامع حقوقی امام سجاده علیه السلام که سند پرافتخار معارف ناب شیعی است و در آن حقوق مختلف از جمله حقوق فرزندان و خردسالان کانون توجه قرار گرفته است، والدین این گونه با این مسئولیت و شیوه آموزشی آشنا شده‌اند:

«حق فرزند تو آن است که بدانی او از توست و در این جهان نیک و بد خویش وابسته به توست و با تو نسبت به پرورش دادن خوب و راهنمایی کردن او به راه پروردگارش و یاری رساندن به او در اطاعت خداوند هم درباره خودت و هم حق او مسئول هستی و بر اساس این مسئولیت پاداش می‌گیری و کیفر می‌بینی. پس در کار فرزند همچون کسی عمل کن که کارش را در این دنیا به حسن اثر خویش آراسته می‌کند و تو به سبب حسن رابطه میان خود و او سرپرستی خوبی که از او کرده‌ای و نتیجه الهی که از او گرفته‌ای، نزد پروردگار خویش معذور باشی و هیچ نیرو و توانی جز به خداوند نیست» (ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ۱۳۸۲: ۱۹۴؛ صدوق، خصال، ۱۳۷۷: ۶۸۰/۲).

به نظر می‌رسد در این بیان گرانسنگ امام، دو کلمه «فیک و فی نفسه» در متن دعا، به روش اجرای مسئولیت آموزشی والدین اشاره دارد. بدین معنا که «فیک» به بعد الگوی عملی والدین و «فی نفسه» به تلاش خود فرزند اشاره دارد که در سایه هدایت، نظارت و بسترسازی برای تعلیم و تربیت خودجوش از سوی والدین به دست می‌آید و انمه علیه السلام نیز اغلب در تربیت و آموزش قرآن و تعالیم دینی به فرزندان خود از این شیوه بهره جسته‌اند.

در سیره تربیتی امام باقر علیه السلام آمده است که فرزندان آن امام همام با دیدن اعمال پدر برای انجام اعمال صالح و رفتار دینی الگو می‌گرفتند و به راز بندگی خداوند دست می‌یافتند. از فرزند بزرگوار آن حضرت نقل شده است که من پیوسته رختخواب پدرم را پهن می‌کردم و منتظر می‌ماندم تا ایشان به رختخواب بروند و بخوابند، سپس بر می‌خاستم و به رختخواب خود می‌رفتم. شبی آن حضرت تأخیر کردند و من در طلب او به مسجد رفتم. در حالی که مردم خواب بودند او را در حال سجده دیدم و غیر او کسی در مسجد نبود. من صدای او را می‌شنیدم که می‌گفت: «سبحانک اللهم انت ربی حقا حقا، سجدت لک یا رب تعبدا و رقا. اللهم ان عملی ضعیف فضاعفه لی، اللهم قنی عذابک یوم تبعث عبادک و تب علی إنک انت التواب» (بحرانی، حلیه الأبرار، بی تا: ۱۱۲/۲).

مقام معظم رهبری در بیان نقش الگویی مادر در آموزش قرآن و تعالیم دینی کودکان می‌فرمایند:



«اگر زن‌ها با قرآن مأنوس شوند، بسیاری از مشکلات جامعه حل خواهد شد، چون انسان‌های نسل بعد در دامن زن پرورش پیدا می‌کنند و زن آشنای با قرآن و مأنوس با قرآن و متفاهم با مفاهیم قرآن، می‌تواند در تربیت فرزند تأثیرات زیادی داشته باشد» (بیانات رهبری، ۱۴/۱۰/۷۳).

در نظام آموزشی کنونی، قرائت یا خواندن قرآن به صورت زیبا و با صوت خوش، از هدف‌های کتاب آموزش قرآن دوره ابتدایی است که علاوه بر روخوانی و روانخوانی، تلفظ حروف خاص عربی، حرکات کوتاه و کشیده، احکام تجویدی، وقف و ابتدا و صوت و لحن را شامل می‌شود. نکته قابل توجه این است که در شیوه جدید، آموزش به روش قاعده‌گویی انجام نمی‌شود، بلکه دانش‌آموز به طور غیر مستقیم و با الگوگیری از قرائت معلم یا نوار، به طور نسبی این مهارت‌ها را کسب می‌کند (ر.ک: سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، راهنمای معلم آموزش قرآن اول دبستان، ۱۳۹۶: ۳). این مهم برگرفته از متون اسلامی است که در آن بر تلاوت قرآن با صوت و لحن زیبا تأکید شده است. پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: «هر چیزی زینتی دارد و زینت قرآن صوت زیباست» (کلینی، الکافی، ۲: ۶۱۵/۱۴۰۷). به همین سبب، امامان علیهم‌السلام قرآن را با صوتی بسیار زیبا تلاوت می‌کردند. امام زین العابدین علیه‌السلام قرآن را چنان زیبا تلاوت می‌کرد که گاه راه‌گذران با شنیدن آن بیهوش می‌شدند» (همان). در روایتی دیگر آمده است: «سقاها با شنیدن صدای تلاوت قرآن امام سجاد علیه‌السلام از رفتن باز می‌ماندند و به تلاوت ایشان گوش فرامی‌دادند.» (کلینی، الکافی، ۱۴۰۷: ۲/۶۱۶).

۳. آموزش تمرین محور قرآن و تعالیم دینی

یکی از عناصر مهم یادگیری که بدون آن فرآیند آموزش قرآن و تعالیم دینی ناقص و نیمه تمام است، تکرار، مرور و تمرین آموخته‌هاست. ساختار ذهن بشر به‌گون‌های است که برای دریافت کامل مفاهیم و گزاره‌ها و نیز نگهداری آن نیازمند چند مرتبه برخورد و درگیری با آنهاست. یک مطلب و آموزه قرآنی تنها در صورتی که چند بار فضای ذهن را تجربه کند و فکر را به خود مشغول سازد، حق باقی ماندن در آن را دارد. رهبر معظم انقلاب اسلامی، تکرار و تمرین آیات وحی را نه تنها موجب یادگیری خواندن و حفظ قرآن دانسته‌اند، بلکه باعث تدبّر در قرآن معرفی کرده‌اند و می‌فرمایند: «حفظ، تکرار و انس با آیات کریمه قرآن و پی‌درپی آیات الهی را مورد توجه قرار دادن، موجب می‌شود که انسان بتواند در قرآن تدبّر کند.» (بیانات رهبری، ۱۹/۴/۱۳۹۲).

این روش در سیره تربیتی معصومین علیهم‌السلام برای قرآن و تعالیم دینی به کودکان مورد توجه قرار گرفته است. برای مثال، پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در این زمینه فرموده است: «کودکان خود را در هفت سالگی به نماز



خواندن امر کنید و به آنان نماز را یاد دهید و در ده سالگی برای نخواندن نماز، آنان را تنبیه کنید و در این سن بسترهایشان را از هم جدا کنید» (متقی هندی، کنز العمال، ۱۴۱۹: ۴۳۹/۱۶). با وجود آنکه سنّ وجوب نماز برای کودکان، هفت سالگی نیست، اما بر اساس این روایت، تشویق والدین به عبادت کردن کودک از سنّ هفت سالگی، ایجاد آمادگی جسمی و روحی و بالا رفتن تحمل تدریجی او برای انجام مراسم و تعالیم مذهبی مانند نماز و روزه است. افزون بر این، بر اساس دیدگاه‌های روان‌شناسی و تربیتی، دو خصوصیت روانی کودک، یعنی «تربیت‌پذیری» و «تعلیم‌پذیری»، گویای آن است که کودک آمادگی دارد تا به طور مستقیم، ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها به وی آموزش داده شود و انس با قرآن و مفاهیم دینی برای او به تدریج و با تمرین و تکرار تبیین شود. آموزش مستقیم برخی مفاهیم دینی در سایر دوره‌ها از جمله هفت سال اول زندگی چندان کارساز نیست و کودک باید بیشتر به صورت غیرمستقیم و تقلیدی و با تمرین تحت این آموزش‌ها قرار گیرد. در هفت سال دوم زندگی، با افزایش رشد سنّی، کودک به این مرحله از شناخت رسیده است که بتوان مفاهیم اخلاقی و تربیتی را به صورت مستقیم به او آموزش داد (سیف و دیگران، روان‌شناسی رشد ۱، ۱۳۶۴: ۲۶۴/۱). شاید فلسفه سخت‌گیری والدین نسبت به نماز خواندن کودکان در ده سالگی به دلیل وجود همین روحیه در کودک است؛ زیرا او در ده سالگی به مرحله‌ای از رشد رسیده است که می‌تواند مسئولیت‌های دینی را بپذیرد و باید در قبال ترک آنها، به والدین پاسخگو باشد. بر این اساس امام رضا علیه السلام دستور می‌دهد تا کودکان را به نمازگزارى ترغیب کرده و آنان را نمازگزار بار آورند. ایشان می‌فرمایند: «پسران باید در سنین هفت سالگی به نماز وادار شوند.» (حرعاملی، وسایل الشیعه، ۱۴۱۶: ۲۱/۴۶۰). پس باید کودک را به نمازگزارى تشویق کرد و آموزش و تمرین داد تا در آینده نمازگزارى برای او سخت و دشوار نباشد.

در بیان تأثیر تمرین و تکرار در یادگیری قرآن باید به این نکته توجه نمود که همگام با ابلاغ و نزول تدریجی قرآن، پیامبر صلی الله علیه و آله از هر فرصتی برای اقرار و قرائت آیات نازل شده در جهت ابلاغ (اسماع)، آموزش، ترویج و تثبیت آنها استفاده می‌کرد. در اصل، نبوت و رسالت آن حضرت مشروط به استمرار و مداومت بر قرائت قرآن توسط شخص خودشان بوده است؛ به طوری که حتی ایشان نیز با همه آگاهی و اشراف کاملی که بر جمیع ما انزل الله داشت، بی‌نیاز از قرائت قرآن و اسماع آن به خودشان نبوده است: ﴿يَا أَيُّهَا الْمُرْسَلُ * قُمْ أَلَيْسَ إِلَّا قَلِيلًا * يَصْفَهُ أَوْ انْقُصْ مِنْهُ قَلِيلًا * أَوْ زِدْ عَلَيْهِ وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا﴾ (مزل ۴/۱-۱)؛ ﴿إِنَّمَا أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ رَبَّ هَذِهِ الْبَلَدَةِ الَّتِي حَرَّمَهَا وَلَهُ كُلُّ شَيْءٍ وَأُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ * وَأَنْ



أَتْلُوا الْقُرْآنَ ﴿ (نمل/۹۲-۹۱). گزارش‌های سیره و روایات نیز به خوبی نشان می‌دهند که آن حضرت در همه صحنه‌ها و لحظات زندگی، در شب و روز، در سفر و حضر، سواره یا پیاده، در میدان جنگ و صحنه دفاع و به‌طور کلی در هر حال، از قرائت قرآن غافل نبودند (مجلسی، بحارالانوار، ۱۴۰۳، ۲۱۶/۹۲). قرائت پیوسته آیات قرآن توسط پیامبر ﷺ سبب می‌شد که بسیاری از افراد در همان لحظات خود به خود به انصات و استماع آیات قرآن پردازند و قرآن را فرا گیرند، یا همراه آن حضرت تکرار کنند؛ چنانکه ابن مسعود می‌گوید: «هنگامی که با پیامبر ﷺ در منی به سر می‌بردیم، سوره «مرسلات» نازل شد و پیامبر ﷺ بلافاصله به قرائت آن پرداخت و من در حالی که زبان مبارکشان به قرائت آن سوره تر و تازه بود، آن سوره را از دهان مبارکشان تلقی کردم و یاد گرفتم» (ر.ک: بخاری، صحیح بخاری، ۱۴۲۲: ۱۷۶/۱۸-۱۷۸).

همچنین از آیات و روایات اسلامی استفاده میشود که آغاز و انجام نبوت و رسالت پیامبر اکرم ﷺ منوط به اقرار آیات نازل شده بر مردم بوده است: ﴿وَقَرَأْنَا فَرَقَنَاهُ لِتَقْرَأَهُ عَلَى النَّاسِ عَلَى مُكْثٍ وَنَزَّلْنَاهُ تَنْزِيلًا﴾ (اسرا/۱۰۶). از این رو، در اوایل دوره رسالت، پیامبر ﷺ در جهت ابلاغ و اسماع آیات قرآن، بر فراز مکانی بلند بر دامنه کوه صفا که مشرف بر محل اجتماع مردم مکه و نقطه پر تردد و محل عبور و مرور کاروانها و مسافران و اهالی مکه بود، می‌ایستاد (مجلسی، بحارالانوار، ۱۴۰۳: ۲۴۳/۱۸) و با ندای جاویدان «الله اکبر» توجه همگان را جلب کرده، با صدایی رسا و شیوا، شمرده شمرده به تکرار و قرائت آیات و سوره‌های نازل شده می‌پرداخت و این مکان، میعاد پیامبر ﷺ در جهت اقرار و قرائت قرآن بود (همان). با افزایش سختگیری و ممانعت مشرکان، مسلمانان در نزدیک‌ترین نقطه به این مکان، یعنی در منزل ارقم بن ابی ارقم گرد هم می‌آمدند و پیامبر ﷺ در جمع آنان به آموزش قرآن می‌پرداخت؛ به طوری که بسیاری از جوانان، مردان و زنان، همچون عمار یاسر، صهیب رومی و مصعب بن عمیر در آنجا به جمع مسلمانان و قرآن‌آموزان پیوستند و از همین‌جا، هسته‌های اولیه تعلیم و تعلم قرآن در مکه به صورت مخفیانه شکل گرفت (ر.ک: ابن هشام، السیرة النبویة، ۱۴۱۶: ۲۹۳).

به طور کلی، پیامبر ﷺ آن قدر بر تمرین و اقرار و قرائت پیوسته آیات و سوره‌های قرآن اهتمام می‌ورزید که گویی آن حضرت همواره در حال اقرار و آموزش قرآن بر فرد یا جمعی از مسلمانان بود؛ چنانکه حضرت علی رضی الله عنه فرموده است: «پیامبر ﷺ در هر شرایطی قرآن را برای ما تلاوت می‌کرد» (ترمذی، سنن الترمذی، بی‌تا: ۹۸/۱).

گوشه‌ای از سیره امام باقر رضی الله عنه در تمرین و عادت دادن فرزندان به خواندن قرآن از زبان امام



صادق علیه السلام این گونه آمده است:

«پدرم زیاد ذکر می گفت. من همراه او راه می رفتم و او مشغول ذکر بود. در حال سخن گفتن با مردم هم از یاد خدا و ذکر غافل نمی شد. می دیدم زبانش به سقف دهان چسبیده و می گوید لا اله الا الله. افراد خانواده را جمع می کرد و امر به ذکر می نمود تا آفتاب طلوع می کرد و کسانی را که قرآن خوان بودند، امر به قرائت قرآن می کرد و آنان را که اهل قرائت قرآن نبودند، امر به ذکر می فرمود» (کلینی، الکافی، ۱۴۰۷: ۴۹۸/۲).

علاوه بر نماز و آموزش قرآن به کودکان، برخی از مظاهر و نمادهای دینی همچون ذکر و دعا و مقدمات نماز، مانند طهارت و وضو نیز در تعالیم اهل بیت، به چشم می خورد. از امام سجاد علیه السلام نقل شده است: «روزه آموزشی این است که وقتی کودک، نزدیک بلوغ رسید، برای تربیت و نه آن که واجب باشد، به روزه گرفتن، وا داشته می شود» (کلینی، الکافی، ۱۴۰۷: ۸۶/۴؛ طوسی، تهذیب الاحکام، ۱۴۱۷: ۲۹۶/۴). در اخبار آمده است که رسول خدا نه تنها نسبت به تربیت دینی فاطمه علیها السلام اهتمام داشتند (ر.ک: مجلسی، بحارالأنوار، ۱۴۰۳: ۲۹/۱۰) که حتی نسبت به تربیت دینی نواده‌های خود نیز توجه بسیار مبذول می داشتند. نقل شده است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله مشغول نماز بود و حسین در کنارشان بود. وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله تکبیر می گفتند، حسین علیه السلام نمی توانست تکبیر بگوید. آن حضرت همچنان تکبیر را اعاده می کرد و به حسین تعلیم می داد تا اینکه تکرار این کلام مبارک، به هفت بار رسید و حسین علیه السلام در مرتبه هفتم توانست تکبیر را به زبان آورد (ر.ک: مجلسی، بحارالأنوار، ۱۴۰۳: ۳۴۱/۱۰). مضمون این روایت نشان می دهد که حسین در این شرایط طفل کم سنی بوده و احتمالاً به خوبی توانایی سخن گفتن نداشته است. به همین دلیل، ادای عبارت «الله اکبر» برای او دشوار بوده و نیاز به تکرار داشته است و رسول خدا به آموزش او پرداخته است.

۴. آموزش انگیزه محور قرآن و تعالیم دینی

انگیزه و گرایش درونی انسان در آموزش قرآن و تربیت دینی نسل چهارم انقلاب اسلامی از اهمیت فراوانی برخوردار است. مطالعه احادیث و سیره عملی رسول خدا و دیگر پیشوایان دینی نشان می دهد که تمام تلاش این بزرگواران برای درونی کردن ارزش‌ها و مفاهیم قرآن و تعالیم دینی بوده است. باید با کودکان به گونه‌ای رفتار شود که با افزایش خودآگاهی، از درون گرایش به ارزش‌های دینی و قرائت قرآن پیدا کنند و با جان و دل آموزه‌های قرآن را بپذیرند. از این رو آموزش قرآن و تربیت دینی، امری پیوسته و





مداوم است که باید بدون هرگونه اکراه و اجبار و یا زیاده‌روی و سخت‌گیری بی‌مورد انجام پذیرد تا همیشگی و پایدار باشد. کودکان و نوجوانان فطرتاً کمالات و صفات زیبای انسانی را دوست دارند. مربی می‌تواند با روش‌های مختلف از جمله از طریق ارضای صحیح تفوقخواهی، متریان خود را به سوی اهداف دینی هدایت کند و آنان را با دلگرمی و نشاط، به کسب کمالات و تلاوت صحیح آیات قرآن وادار سازد. امام حسن مجتبی علیه السلام از این شیوه برای ترغیب فرزندان خود و فرزندان برادر خود به علم آموزی بهره برده، به ایشان می‌فرمودند: «همه شما کودکان اجتماع امروز هستید و امید می‌رود که بزرگان جامعه فردا باشید. دانش بیاموزید و در کسب علم کوشش کنید. هر کدام که نمی‌توانید در مجلس درس، مطالب استاد را حفظ کنید، آن را بنویسید و نوشته‌های خود را در منزل نگهداری کنید تا در موقع لزوم مراجعه کنید.» (شهید ثانی، منیة المرید فی أدب المفید و المستفید، بی‌تا: ۳۴۰).

در سفارشات رسول مکرم اسلام صلی الله علیه و آله آمده است: «فرزندم از خواندن قرآن غافل مباش، زیرا که قرآن دل را زنده می‌کند و از فحشاً و زشتی و ستم باز می‌دارد.» (متقی هندی، کنز العمال، ۱۴۱۹: ۲/۲۹۱). از خدمات‌های فاطمه زهرا علیها السلام به قرآن توصیه به قرآن و ایجاد انگیزه و گرایش به تلاوت این معجزه جاوید پیامبر صلی الله علیه و آله است. حضرت زهرا علیها السلام می‌فرماید: «از دنیای شما سه چیز محبوب من است: تلاوت قرآن، نگاه به چهره رسول خدا و انفاق در راه خدا» (دشتی، نهج الحیاه، ۱۳۷۳: ۲۷۱).

رهبر معظم انقلاب اسلامی با الگوگیری از سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام در گرایش کودکان و نوجوانان به حفظ و تلاوت قرآن، خطاب به جوانان و نونهالان می‌فرماید: «به شما جوانان عزیز توصیه می‌کنم اُنس‌تان را با قرآن زیاد کنید؛ آن کسانی که با قرآن ارتباط پیدا کردند، قدر این ارتباط را بدانند؛ کسانی که قرآن را حفظ کردند، قدر این حفظ قرآن را بدانند؛ این جواهر قیمتی را برای خودشان نگه دارند» (بیانات رهبری، ۹۳/۳/۱۳).

ایجاد انگیزه در کودکان از بستر توجه و محبت یکی دیگر از شیوه‌های آموزش قرآن و تعلیم دینی به کودکان است. در روایات، نشستن حسنین بر زانوی پیامبر صلی الله علیه و آله پس از ادای فریضه نماز، یکی بر روی زانوی راست و دیگری بر زانوی چپ پیامبر صلی الله علیه و آله گزارش شده است (مجلسی، بحار الأنوار، ۱۴۰۳: ۳۰۵/۱۰). بر اساس این گزارش، حسنین با وجود سن کم، در هنگام ادای نماز در کنار پیامبر صلی الله علیه و آله قرار می‌گرفتند و اعمال و ارکان نماز را به تاسی از پدر بزرگ خود، انجام می‌دادند. به طور قطع، رسول خدا صلی الله علیه و آله که اصولاً با هدف تعلیم و تربیت فرزندان خود، به آنان این همه محبت می‌کرد، در امر نماز خواندن حسنین مشوق آنان بود. نوازش‌ها و محبت‌های رسول خدا صلی الله علیه و آله به آن دو کودک پس از نماز، به



طور غیرمستقیم، تقویت‌کننده عمل حسنین بوده است. این مهم در دیگر آموزش‌های دینی به کودکان مانند قرائت، روخوانی و مفاهیم قرآن نیز مورد توجه رسول خدا ﷺ بوده است و ایشان در بیان وظایف والدین، این نکته مهم را از نظر دور نداشته است. در سخنی از پیامبر اکرم ﷺ نقل شده است که فرمود: «فرزندان خود را بر پایه سه ویژگی تربیت کنید: محبت ورزیدن به پیامبر ﷺ و اهل بیت او و قرائت قرآن» (متقی هندی، کنز العمال، ۱۴۱۹: ۴۵۶/۱۶). در این روایات، علاقه‌مند کردن فرزندان به رسول خدا ﷺ و اهل بیت، در ردیف انس با قرآن ذکر شده که هر دو از وظایف والدین است. بی‌شک، ایجاد انگیزه در کودک با روش‌هایی مانند بیان ویژگی‌ها و فضایل اهل بیت و شرکت دادن فرزندان از دوران کودکی در مراسم‌های دینی، عزاداری و جلسات قرآن، از راه‌های مؤثر در تحقق این توصیه رسول خداست، البته مشروط به اینکه این امر به افراط و زیاده‌روی نرسد و دوران کودکی، بخصوص شش سال اول که مرحله بازی و آزادی اوست، یکسر به حضور در جلسات حفظ و قرائت قرآن محدود نشود و برنامه‌های فشرده و سنگین حفظ و آموزش قرآن به کودک تحمیل نشود؛ زیرا این امر، به جای آنکه در تربیت دینی، رشد علایق و انگیزه‌های مذهبی کودک مؤثر باشد، پیامدهای منفی از جمله دوری و جدایی کودک از بازی و آزادی، کاهش اشتیاق‌های روانی کودک نسبت به آموزش‌های مذهبی و قرآنی و کاهش انگیزه و میل او نسبت به انس و یادگیری قرآن و مفاهیم دینی پس از دوران بلوغ را به دنبال خواهد داشت. افزون بر آنکه، بیشتر برنامه‌های آموزشی کودکان، مبتنی بر حفظ و قرائت و ظواهر قرآن است که اصولاً با هدف نزول قرآن (ر.ک: جمعه/۲؛ ص/۲۹) و سیره رسول خدا و ائمه که فراگیری معانی و مفاهیم قرآن است، سازگار نیست.

۵. آموزش بازی محور قرآن و تعالیم دینی

بازی فرصتی مناسب برای متعادل کردن تمایلات عاطفی، آموزش جمعی قرآن و تعالیم دینی و تقویت روحیه جمعی کودک است. آنها با بازی می‌آموزند که چگونه با دیگران رابطه صحیح برقرار سازند، حقوق افراد را مراعات کنند و به فعالیت‌های گروهی بپردازند. زمانی که دوران کودکی با روش صحیح به بازی سپرده شود و کودک توان نهفته در درون خود در این دوره را بروز داده و از بازی سیراب شود، در بزرگسالی به انجام کارهای ویژه در خردسالی نمی‌پردازد. از این رو پیامبر ﷺ می‌فرماید: «جنب و جوش و ستیزه‌جویی کودک در دوران خردسالی، نمایانگر فرونی عقل و اندیشه او در بزرگسالی است.» (متقی هندی، کنز العمال، ۱۴۱۹: ۴۲۳/۱۶). امام کاظم ﷺ نیز



فرموده اند: «پسندیده است که فرزند در کودکی به بازی و جست و خیز بپردازد تا در بزرگسالی بردبار و با وقار باشد» (مجلسی، بحارالأنوار، ۱۴۰۳: ۳۶۲/۶۰). شاید بتوان این سخن رسول اکرم ﷺ و امام کاظم ﷺ را از دیدگاه روان‌شناسی با این نظریه منطبق دانست که بازی و شیطنت در دوران کودکی موجب تخلیه انرژی‌های زاید جسمی و روحی می‌شود و در رسیدن کودک به آرامش و حلم در بزرگسالی تأثیرگذار است (ر.ک: سیف و دیگران، روانشناسی رشد، ۱۳۶۴: ۱/۲۲۹). پیامبر ﷺ می‌فرماید: «بگذار فرزندت تا هفت سال بازی کند» (کلینی، الکافی، ۱۴۰۷: ۹۴/۲). این روایت به روشنی، با ویژگی‌های مراحل رشد، که در روان‌شناسی بدان اشاره شده است، تطبیق دارد. روان‌شناسان آزادی و بازی را از ویژگی‌های مهم این دوره معرفی می‌کنند و معتقدند در این دوره هر قدر به کودک در فعالیت‌ها و تلاش‌های کنجکاوانه آزادی بیشتری داده شود، به قوه ابتکار و خلاقیت او افزوده می‌شود (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، روان‌شناسی رشد، ۲/۱۳۷۴: ۷۸۱). همچنین این سفارش پیامبر ﷺ نشان می‌دهد که بازی نوعی سرگرمی و اتلاف عمر نیست؛ هفت سال نخست حیات کودک، دوره شناخت جهان پیرامونی اوست. کودک در این دوره نه تنها با دیگران که با جهان و پدیده‌های اطراف خود بازی می‌کند تا آنها را بشناسد، بیازماید و بداند که باید با پدیده‌های جهان آفرینش چگونه برخورد کرد.

در سیره عملی پیامبر شواهدی از بازی و شوخی آن حضرت با کودکان به چشم می‌خورد. در این روایات افزون بر نقش پدر و حتی پدر بزرگ در بازی با کودکان، کیفیت و ویژگی‌های بازی‌های پدران رسول اکرم ﷺ با نوه‌های خود را که معمولاً هیجان‌آور، جذاب، پرتحرک و جسمانی بود، نشان می‌دهد. برای نمونه گزارش شده است که وقتی رسول خدا ﷺ از سفر بازمی‌گشت، در کوچه با کودکان برخورد می‌کرد و به احترام آنان می‌ایستاد، سپس امر می‌کرد کودکان را به نزدش بیاورند. رسول خدا ﷺ برخی از آنان را در آغوش می‌گرفت و برخی را بر پشت و دوش خود سوار می‌کرد و به اصحاب خویش می‌فرمود: «کودکان را در آغوش گیرید و بر دوش خود بنشانید» (ر.ک: فیض کاشانی، تفسیر صافی، ۱۳۸۴: ۳/۳۶۶) از دیگر شواهد بازی‌ها و شوخی‌های آن حضرت با حسنین است. در روایات دیگری نیز این‌گونه بازی‌ها و تماس‌های بدنی پیامبر ﷺ با حسنین ﷺ نقل شده است (ر.ک: مجلسی، بحارالأنوار، ۱۴۰۳: ۲۸۵/۴۳). گاه رسول خدا ﷺ را روی شانه راست و امام حسین ﷺ را روی شانه چپ خود قرار می‌داد و راهی خانه می‌شد (ر.ک: فیض کاشانی، تفسیر صافی، ۱۳۸۴: ۳/۲۹۶).



رهبر معظم انقلاب اسلامی در ضرورت بازی و ساخت اسباب بازی برای کودکان در راستای تربیت دینی نسل چهارم انقلاب اسلامی خطاب به اعضای شورای انقلاب فرهنگی می‌فرماید: «کارهای ابتکاری بکنید؛ اسباب‌بازی همین جور، بازی رایانه‌ای همین جور، عروسک همین جور، این‌ها چیزهایی است که لازم است. ما بچه‌های خودمان را که آلك دو لك بازی می‌کردند که تحرک داشت و خوب بود، گرگم به هوا بازی می‌کردند که کار بسیار خوبی بود و ورزش بود و بازی و سرگرمی بود، یا این چیزی که خط کشی می‌کنند و لی‌لی می‌کنند- بازی بچه‌های ما این‌ها بود - آورده‌ایم نشانه‌ایم پای اینترنت، نه تحرک جسمی دارند، نه تحرک روحی دارند و ذهنشان تسخیر شده به وسیله‌ی طرف مقابل» (بیانات رهبری، ۹۲/۹/۱۹).

بنابراین برای تأثیرگذاری و عمق بیشتر یادگیری قرآن کریم نیز باید تولید اسباب بازی، بازی‌های رایانه‌ای و استفاده از بازی را در آموزش قرآن به کودکان پیش‌بینی و طراحی کرد. برای مثال به کودکان بگویید: فکر کن سوار ماشین شدی، همین‌طور که رانندگی می‌کنی، سوره همزه را هم با صدای زیبا و بلند تلاوت کن. برای اینکه کودک در فضای بازی قرار گیرد، می‌توان از او خواست که حس بگیرد، دستش را روی فرمان بگذارد و ماشین را روشن کند. به او بگویید حالا من رنگ‌های چراغ راهنمایی را نشان می‌دهم. با نشان دادن مقوای سبزرنگ، سوره همزه را بلند بخوان، با دیدن رنگ زرد، آهسته بخوان و با دیدن رنگ قرمز در هر حالتی از خواندن که هستی، سکوت کن.

۶. آموزش تشویق محور قرآن و تعالیم دینی

از روش‌های مرسوم و مهم در امر آموزش و تعلیم و تربیت دینی فرزندان استفاده از دو عامل تشویق به عنوان سوق دهنده و تنبیه به عنوان بازدارنده است که بیشتر مکاتب تربیتی بدان اشاره و از آن استفاده کرده‌اند (ر.ک: بهشتی و دیگران، ۱۳۷۹:۱۵۵). تشویق انگیزه و تمایل به انجام دوباره کار مثبت را در کودک تقویت کرده و او را به سمتی که مربی می‌خواهد، سوق می‌دهد. تشویق در امر تربیت دینی و آموزش قرآن به کودکان و نوجوانان در گام دوم انقلاب اسلامی از جایگاه قابل توجه و مؤثرتری برخوردار است. تشویق بجا و مناسب در فرزندان ایجاد انگیزه و شوق می‌کند و آنان را برای انجام کارهای بزرگتر آماده می‌سازد. در واقع تشویق نردبان پیشرفت و موفقیت آنهاست. بدین جهت این شیوه مورد توجه ائمه قرار گرفته است. زکریا بن آدم می‌گوید: خدمت امام رضا علیه السلام بودم که حضرت جواد علیه السلام را نزد ما آوردند. او که حدود چهار ساله بود، دست‌ها را بر زمین نهاد و سرش را به طرف



آسمان بلند کرد و به فکر فرو رفت. امام رضا علیه السلام به او فرمود: جانم به فدایت باد، در چه موضوعی چنین اندیشه می‌کنی؟ فرمود: در آنچه نسبت به مادرم فاطمه علیها السلام انجام داده‌اند. به خدا قسم، آنها را از قبر بیرون می‌آورم، می‌سوزانم و خاکسترشان را به دریا می‌ریزم. امام رضا علیه السلام [در مقابل کار نیکویش] او را به خود نزدیک ساخت، بین دو چشمش را بوسید و فرمود: پدر و مادرم به فدایت باد، تو برای امامت شایستگی داری (مسعودی، اثبات الوصیه للامام علی بن ابی طالب علیه السلام، ۱۳۸۴: ۲۳۲-۲۳۱).

در تشویق و حمایت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از حاملان وحی در صحنه‌های مختلف آمده است که آن حضرت در گزینش امیران جنگی نیز میزان «قرآن خوانی» و یا «قرآن خوانی» آنان را مدّ نظر و منشأ اثر قرار می‌دادند. در اخبار آمده است:

«پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم هیأتی را به یمن فرستاد و امیر آنان را کسی قرار داد که جوان‌ترین ایشان بود. مدتی گذشت؛ اما آنان حرکت نکردند تا اینکه مردی به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم عرض کرد: آیا کسی را به امیری ما می‌گماری که کم‌سن‌ترین ماست؟! پیامبر در پاسخ میزان تبصره وی را در قرائت قرآن، یادآور شد» (محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ۱۳۸۴: ۷۹/۱).

در اخبار آمده است که عبدالرحمان بن سلمی به فرزند امام حسین علیه السلام سوره حمد را آموخت. نگاهی که فرزند امام، سوره حمد را بر امام خواند، آن حضرت به عبدالرحمن بن سلمی هزار دینار و هزار حله عطا کرد و دهانش را پر از دُر کرد» (مجلسی، بحارالانوار، ۱۴۰۳: ۲۱۹/۱).

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با شناخت جامع و کاملی که از ماهیت و اهداف نزول قرآن و گوناگونی مخاطبان آن به خصوص از دو جنبه زبان و روان داشت، در هنگام تعلیم قرآن، اشتباهات قرآن‌آموزان را به صورت مستقیم و رو در رو، به ویژه در حضور دیگران، تصحیح نمی‌کرد؛ اصولاً هیچ‌گونه قرآن‌خواندنی را «غلط» محسوب نمی‌کرد، بلکه هر کس، هر طور که می‌خواند، چون به هر حال قرآن می‌خواند، تحسین و تشویق می‌شد (ر.ک: سلطانی رنانی، آموزش و ترویج قرآن در سیره پیامبر، بینات، شماره ۱۳۸۵: ۵۲). به دیگر بیان، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مسیر آموزش و فرایند یادگیری یکایک قرآن‌آموزان را متناسب و مطابق با وضعیت و توانایی هر یک از آنان آسان می‌نمود تا هیچ قرآن‌آموزی احساس نکند که نسبت به میزان توانایی و مشکلاتش در روند یادگیری، بی‌توجهی می‌شود و در نهایت نتیجه بگیرد که بهتر است قرآن نخواند و آن را رها کند؛ چنانکه وقتی بلال حبشی به علت عدم توانایی بر تلفظ حرف «شین»، مورد انتقاد برخی از ظاهرگرایان قرار گرفته بود، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «نزد خداوند، سین بلال همان شین است و هیچ فرقی نمی‌کند» (نوری، مستدرک الوسائل، ۱۴۰۸: ۲۷۸/۴). از این رو، به معلّمان (مُقریان)



قرآن نیز همواره سفارش می نمود که در آموزش قرآن به مسئله مهم آسان سازی و آسان گیری توجهی جدی داشته باشند و بر مبنای آن عمل نمایند: «با مردم آسان گیرید و نویددهنده باشید و مردم را فراری ندهید» (قشیری نیشابوری، الجامع الصحیح، ۱۴۱۲: ۱۳۵۹/۲).

تحسین هرگونه قرائت را می توان از جمله کلیدی ترین عناصری دانست که در کنار آسوه بودن قرائت پیامبر ﷺ و اقراء و قرائت پیوسته ایشان در منظر قرآن آموزان، به صورت جدی و مؤثر مسئله تصحیح را در امر قرائت قرآن راهبری می کرد؛ یعنی اگر قرآن آموزی، آیات قرآن را کامل و درست فرا نگرفته بود و یا آن را اشتباه قرائت می کرد، هنگامی که اقراء و قرائت پیامبر ﷺ و سایر قرآن آموزان را که همواره در حال افزایش بودند، در دیگر صحنه ها مانند نماز، عرضه قرائت و مانند آن می دید و می شنید، به اشتباه خود پی می برد و خودش آن را اصلاح می کرد. (ر.ک: طبری، جامع البیان، ۱۴۲۱: ۲۴۱/۱۶).

بیشک ستایش بجا از نسل چهارم انقلاب اسلامی در یادگیری کلام الله مجید و مفاهیم ژرف قرآن، باعث احساس موفقیت و توانایی و نیز موجب انگیزه قوی برای تکرار کارهای خوب و رشد بیشتر او در مسیر حفظ، تلاوت، تدبر و انس با قرآن کریم خواهد شد. به خصوص اگر این تمجید به موقع و در حضور کسانی باشد که آگاهی آنها از رفتار شایسته کودکان برای او مهم باشد. علی بن حکم به نقل از طاهر یکی از اصحاب امام باقر نقل کرده است که من در خدمت امام باقر علیه السلام نشسته بودم که فرزندش جعفر علیه السلام وارد شد. امام باقر علیه السلام درباره اش فرمود: «او بهترین مخلوقات خداوند است» (مجلسی، بحارالأنوار، ۱۴۰۳: ۴۷/۱۳).

انسان موجودی تشویق طلب و نتیجه گریز است و هر انسانی ارزش تشویق، تأیید و احسان و پاداش را درک می کند. استفاده از تشویق و محبت بهترین راه ایجاد، استمرار، تقویت و توسعه فعالیت های قرآنی کودکان در گام دوم انقلاب اسلامی است. توجه به رفتارهای مطلوب کودک به استمرار و تقویت آنها کمک می کند، همان طور که توجه به رفتارهای نامطلوب موجب استحکام آنها می شود. یک رفتار مطلوب قرآنی و دینی باید تکرار شود تا به صورت عادی مطلوب درآید. گاهی اوقات کودک رفتاری را به طور تصادفی انجام می دهد و بعد منتظر می ماند تا عکس العمل شما را ببیند. اگر شما با رفتارهای کودک مسئولانه برخورد کنید و رفتار و فعالیت های قرآنی او را تأیید کنید، کودک یاد می گیرد که چه رفتارهایی را تکرار کند و ادامه دهد. بنابراین در سیره تربیتی اهل بیت علیهم السلام، تشویق نقش بسزایی در تقویت و استمرار رفتارهای مبتنی بر آموزه های دینی در کودکان دارد و رهبر



معظم انقلاب اسلامی نیز در تشویق قاریان جوان و نوجوان فرموده است:

«به این خوانندگان عزیز و تلاوتگران باید بگوییم: طیب الله انفسکم؛ ان شاء الله. امروز از این تلاوت‌ها و این نغمه‌های شیرین و دلنشین قرآنی که بحمدالله جوانان ما روزبه روز بهتر و جذابتر و شیرین‌تر در آن پیش می‌روند، لذت بردیم؛ هم این دو نوجوانی که تلاوت کردند، هم گروه‌های دسته جمع که همخوانی کردند، خیلی خوب بودند؛ و هم قراء عزیزمان که انسان هر سالی که می‌شنوند این تلاوت‌ها را، خوب احساس می‌کند که کاروان تلاوت قرآن و آهنگ‌های قرآنی از آنچه که در گذشته بوده، جلوتر آمده، و اگر مقایسه کنیم با دوران‌های قبل - پیش از انقلاب - از صفر بلکه زیر صفر، بحمدالله به درجات عالی دست پیدا کرده؛ خیلی مایه خوشوقتی ماست» (بیانات رهبری، ۸۶/۶/۲۲).

نتیجه

از آنجا که آموزش از اساسی‌ترین کارکردهای هر نظام آموزشی است و یادگیری محصول فرایند نهایی آن است و تغییراتی را در ساخت شناخت، گرایش و توانش یادگیرندگان ایجاد می‌کند، با توجه به رسالت انبیاء و اولیای الهی در هدایت بشر، شکوفاسازی خرد و قدرت بخشیدن به اراده انسان برای وصول به کمال و سعادت دنیوی و اخروی، نخستین گام اشاعه قرآن کریم و تربیت دینی کودکان در گام دوم انقلاب اسلامی را میتوان در سیره تربیتی پیامبر ﷺ و اهل بیت  جستجو کرد.

بنا به فرمایشات مقام معظم رهبری، جامعه اسلامی برای نیل به تمدن نوین اسلامی به نیروسازی و تربیتی گسترده‌تر و کیفی‌تر از جوانان تربیت شده در گام اول نیازمند است و آموزش قرآن کریم برای تربیت دینی نسل چهارم انقلاب اسلامی ضروری است. بر اساس روحیه کمال طلبی و نیاز فطری افراد بشر برای تأسی و پیروی از الگویی برتر و منطبق نمودن امور مختلف زندگی با اسوه‌ها از یک سو و از دیگر سو با عنایت به آیات و روایات اسلامی در معرفی رسول خدا و خاندان عصمت و طهارت  به عنوان برترین اسوه برای تأسی بشر، این نوشتار، روشهای معصومین  آموزش و یادگیری قرآن و تعلیم دینی به کودکان در گام دوم انقلاب اسلامی را آموزش اقراء محور، الگو محور، بازی محور، تمرین محور، انگیزه محور و تشویق محور می‌داند.



منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، ۱۳۸۰ش.
۲. ابن ابی الحدید، عزالدین بن عبدالحمید بن هبه الله، شرح نهج البلاغه، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، مصر: دار احیاء الکتب العربیه، ۱۳۷۸ق.
۳. ابن بابویه قمی [شیخ صدوق]، محمد بن علی، خصال شیخ صدوق، ترجمه: محمد باقر کمرهای، تهران: کتابچی، ۱۳۷۷ش.
۴. —، عیون أخبار الرضا، تهران: انتشارات جهان، ۱۳۷۸ش.
۵. —، علل الشرایع، قم: مکتبه الداوری، بی تا.
۶. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، ترجمه: صادق حسن زاده، قم: انتشارات آل علی، ۱۳۸۲ش.
۷. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، تصحیح: سید هاشم رسولی محلاتی و محمد حسین آشتیانی، قم: علامه، بی تا.
۸. ابی شامه مقدسی، شهاب الدین عبدالرحمن بن اسماعیل، المرشد الوجیز الی علم تتعلق بالکتاب العزیز، بیروت: دارالکتب العلمیه، بی تا.
۹. ابن هشام، ابو محمد عبدالملک، السیره النبویه، به کوشش عمر عبدالسلام تدمری، بیروت: دارالکتب العربی، چاپ پنجم، ۱۴۱۶ق.
۱۰. بحرانی، هاشم بن سلیمان، حلیه الأبرار فی أحوال آل محمد والأئمه الأطهار، تحقیق: غلامرضا مولانا بروجردی، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه، بی تا.
۱۱. بخاری، ابو عبدالله محمد بن اسماعیل، الجامع الصحیح، بیروت: دار طوق النجاة للطباعة والنشر والتوزیع، ۱۴۲۲ق.
۱۲. بهشتی، محمد و دیگران، آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن، تهران: سمت، ۱۳۷۹ش.



۱۳. ترمذی، محمد بن عیسی، سنن الترمذی، قاهره: دارالحديث، بی‌تا.
۱۴. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، بیروت: المكتبة العصرية، بی‌تا.
۱۵. حرعاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسایل الشیعه الی تحصیل مسایل الشریعه، تحقیق: محمدرضا حسینی جلالی، قم: مؤسسه آل‌البیت لإحياء التراث، ۱۴۱۶ق.
۱۶. حویزی، عبدعلی بن جمعه، تفسیر نورالثقلین، تصحیح: سید هاشم رسولی محلاتی، قم: اسماعیلیان، ۱۴۱۵ق.
۱۷. حسینی خامنه‌ای، سید علی، بیانیه گام دوم انقلاب خطاب به ملت ایران، تهران: معاونت فرهنگی و اجتماعی سازمان اوقاف و امور خیریه، ۱۳۹۷ش.
۱۸. خوش‌منش، ابوالفضل، تحقیقی در ابعاد مسأله حمل قرآن کریم، تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۷۸ش.
۱۹. دشتی، محمد، نهج‌الحیاه، قم: مؤسسه تحقیقات امیرالمؤمنین، قم، ۱۳۷۳ش.
۲۰. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، روان‌شناسی رشد، تهران: سمت، ۱۳۷۴ش.
۲۱. زرقانی، محمد عبدالعظیم، مناهل العرفان فی علوم القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی‌تا.
۲۲. سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، راهنمای معلم آموزش قرآن اول دبستان، تهران: وزارت آموزش و پرورش، چاپ دوم، ۱۳۹۶ش.
۲۳. سخاوی، علی بن محمد، جمال القراء و کمال الإقراء، بیروت: مؤسسه الکتب الثقافیه، ۱۴۱۹ق.
۲۴. سلطانی رنای، سید مهدی، «آموزش و ترویج قرآن در سیره پیامبر»، بینات، شماره ۵۳، ۱۳۸۵ش.
۲۵. سیف، سوسن و دیگران، روان‌شناسی رشد ۱، تهران: وزارت برنامه و بودجه، ۱۳۶۴ش.
۲۶. شبر، عبدالله، تفسیر القرآن الکریم، تصحیح: حامد حفنی داود، قم: دارالهجرة، بی‌تا.
۲۷. شریف رضی، نهج البلاغه، ترجمه: محمد دشتی، قم: مشهور، چاپ سیزدهم، ۱۳۸۰ش.
۲۸. شهید ثانی، زین‌الدین بن علی، منیة المرید فی أدب المفید و المستفید، تحقیق: رضا مختاری، قم: مکتب الاعلام الاسلامیه، بی‌تا.



٢٩. شيخ بهايي، محمد بن حسين، مفتاح الفلاح في عمل اليوم و الليلة من الواجبات و المستحبات و الآداب، قم: الشريف الرضي، بي تا.
٣٠. صدر، سيد محمدباقر، دروس في علم الاصول، بيروت: دار الكتاب لبناني، ١٩٧٨م.
٣١. طباطبائي، سيد محمدحسين، الميزان في تفسير القرآن، تهران: دارالكتب الاسلاميه، چاپ سوم، ١٣٧٩ش.
٣٢. طبرسي، حسن بن فضل، مكارم الاخلاق، بيروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ١٩٧٢م.
٣٣. طبري، محمد بن جرير جامع البيان عن تأويل آي القرآن، بيروت: داراحياء التراث العربي، ١٤٢١ق.
٣٤. طوسي، محمد بن حسن، تهذيب الاحكام، تصحيح: علي اكبر غفاري، تهران: صدوق، ١٤١٧ق.
٣٥. فيض كاشاني، محمد بن شاه مرتضى، تفسير صافي، تصحيح: حسين أعلمی، تهران: مكتبة الصدر، ١٣٧٣ش.
٣٦. فيروزآبادي، سيد مرتضى، فضائل الخمسة من الصحاح الستة، تهران: دارالكتب الاسلاميه، ١٣٩٢ق.
٣٧. قشيري نيشابوري، مسلم بن حجّاج، الجامع الصحيح، تصحيح محمد فؤاد عبدالباقي، قاهره: دارالحديث، ١٤١٢ق.
٣٨. كليني، محمد بن يعقوب، الكافي، تصحيح علي اكبر غفاري، تهران: دارالكتب الاسلاميه، ١٤٠٧ق.
٣٩. كناني، محمد بن جماعه، تذكره السامع و المتكلم في أدب العالم و المتعلم، تحقيق: سيد محمدهاشم ندوي، بيروت: دار الكتب العلميه، بي تا.
٤٠. متقى هندي، حسام الدين، كنز العمال في سنين الاقوال و الافعال، تحقيق: محمود عمر دمياطي، بيروت: دار الكتب العلميه، ١٤١٩ق.
٤١. مجلسي، محمدباقر، بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمة الاطهار ، بيروت: مؤسسه الوفاء، ١٤٠٣ق.
٤٢. محمدی ری شهری، محمد، ميزان الحكمه، قم: دارالحديث، ١٣٨٤ش.



۴۳. مسعودی، علی بن حسین، اثبات الوصیه للامام علی بن ابی طالب علیه‌السلام، قم: انصاریان، ۱۳۸۴ ش.
۴۴. نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل قم: مؤسسه آل‌البتیت لإحياء التراث، ۱۴۰۸ ق.



References

۱. The Holy Quran, Translated by Naser Makarem Shirazi, Tehran: Office of Islamic History and Sciences, ۲۰۰۱.
۲. Abi Shammah Maqdisi, Shahab al-Din Abd al-Rahman bin Isma'il, Al-Murshid al-Wajiz ila Ilamin Tala'alaqu bi al-Kitab Al-Aziz (A Short Guideline to Holy Quran), Beirut: Dar al-Kutub al-Almiyyag, n.d.
۳. Bahrani, Hashim bin Sulayman, Hilyah al-Abrar fi Ahwal Ale Muhammad w al-Ai'mmah al-Athar (The Adornments of the Pious Ones on of the Progeny of Muhammad and the Holy Imams), Researched by Ghulam Reza Maulana Boroujerdi, Qom: Muassasah al-Ma'aref al-Islamiyyah, n.d.
۴. Beheshti, Muhammad Et el., The Viewpoints of Muslim Scholars on Education and Pedagogy and Their Principles, Tehran: SAMT, ۲۰۰۰.
۵. Bukhari, Abu Abdullah Muhammad bi Ismail, Al-Jame' Al-Sahih, Beirut: Dar Tawq al-Najat for Printing, Publishing and Distribution, ۱۴۲۲ AH.
۶. Dashti, Muhammad, Nahj al-Hayat, Qom: Amir al-Muminin Research Institute, Qom, ۱۹۹۴.
۷. Educational Research and Planning Organization, Teacher's Guide for Teaching Quran for the First Grade Children, Tehran: Ministry of Education, ۲nd Edition, ۲۰۱۷.
۸. Fayz Kashani, Muhammad bin Shah Mortaza, Tafsir Safi, Edited by Hossein A'lami, Tehran: Maktab al-Sadr, ۱۹۹۴.
۹. Firoozabadi, Seyyed Morteza, Fazhail al-Khamsah min al-Sihah al-Sunnah (The Virtues of Ahl al-Bayt from the Sihah of Ahl Sunnat), Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah, ۲۰۱۳.
۱۰. Hakim Neyshabouri, Muhammad bin Abdullah, Al-Mustadrak Ala al-Sahihayn, Beirut: Al-Maktabah al-Asriyyah, n.d.
۱۱. Hawzeh (Seminary) and University Cooperation Office, Developmental Psychology, Tehran: SAMT, ۱۹۹۵.



۱۲. Hosseini Khamenei, Seyyed Ali, Declaration of the Second Sep of the Revolution Addressed to the Iranian Nation, Tehran: Cultural and Social Deputy of the Endowment and Charity Organization, ۲۰۱۸.
۱۳. Hurr Amili, Muhammad bin Hassan, Tafsil Wasail al-Shiah ila Tahsil Masail al-Shariah, Researched by Muhammad Reza Hosseini Jalali, Qom: Al-Bayt Institute for the Revival of Heritage (Muassasah Al al-Bayt li Ihya al-Turath), ۱۴۱۶ AH.
۱۴. Huwayzi, Abdul Ali bin Juma'h, Tafsir Noor al-Thaqalayn, Edited by Seyyed Hashim Rasooli Mahallati, Qom: Ismailian, ۱۴۱۵ AH.
۱۵. Ibn Abi al-Hadid, Izz al-Din bin Abdul Hamid bin Hibatullah, Sharh Nahj al-Balaghah, Researched by Muhammad Abu al-Fadhl Ibrahim, Egypt: Dar al-Ihya al-Kutub al-Arabiyyah, ۱۳۷۸ AH.
۱۶. Ibn Babawayh Qomi [Sheikh Saduq], Muhammad bin Ali, Ilal al-Sharaye' (The Reasons of Islamic Laws), Qom: Maktabah al-Dawari, n.d.
۱۷. Ibn Babawayh Qomi [Sheikh Saduq], Muhammad bin Ali, Khsal (Characteristics) of Sheikh Saduq, Translated by Muhammad Baqir Kumraei, Tehran: Ketabchi, ۱۹۹۸.
۱۸. Ibn Babawayh Qomi [Sheikh Saduq], Muhammad bin Ali, U'yun Akhbar al-Reza (Narrations of Imam Reza), Tehran: Jahan Publications, ۱۹۹۹.
۱۹. Ibn Hisham, Abu Muhammad Abdul Malik, Al-Sirah al-Nabawiyyah (The Biography of Holy Prophet), Prepared by by Umar Abdul Salam Tadmuri, Beirut: Dar al-Kutub al-Arabi, ۵th Edition, ۱۴۱۶ AH.
۲۰. Ibn Shahr Ashub, Muhammad bin Ali, Manaqib Ale Abi Talib (On the Virtues Imam Ali's Progeny), Edited by Seyyed Hashim Rasooli Mahallati and Muhammad Hossein Ashtiani, Qom: Allama, n.d.
۲۱. Ibn Shu'ba Harrani, Hassan bin Ali, Tuhaf al-Uqul, Translated by Sadiq Hassanzadeh, Qom: Ale-Ali Publications, ۲۰۰۳.
۲۲. Kanani, Muhammad bin Jama'ah, Tazkira al-Same' wa al-Mutakallim fi Adab al-Alim wa al-Muta'llim (On the Etiquettes of Teacher and Student/ Scholar and Audience), Research: Seyyed Muhammad Hashim Nadavi, Beirut: Dar al-Kutub al-Ilamiyyah, n.d.



۲۳. Khoshumanesh, Abolfazl, A Study on the Dimensions of the Issue of Carrying the Holy Quran, Tehran: Imam Sadegh (AS) University, ۱۹۹۹.
۲۴. Kulayni, Muhammad bin Ya'qub, Al-Kafi, Edited by Ali Akbar Ghaffari, Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah, ۱۴۰۷ AH.
۲۵. Majlisi, Muhammad Baqir, Bihar al-Anwar al-Jami'ah li Durar Akhbar al-Aimah al-Athar (Oceans of Lights Comprising the Pearls of Narrations from Holy Imams (AS)), Beirut: Al-Wafa Institute, ۱۴۰۳ AH.
۲۶. Maso'udi, Ali bin Hossein, Ithbat al-Wasiyyah li al-Imam Ali bin Abi Talib (Proof of Guardianship for Imam Ali ibn Abi Talib), Qom: Ansarian, ۲۰۰۵.
۲۷. Muhammadi Rey Shahri, Muhammad, Mizan al-Hikma (The Scale of Wisdom), Qom: Dar al-Hadith, ۲۰۰۵.
۲۸. Muttaqi Hindi, Hisam al-Din, Kanz al-Ummal fi Sunan al-Aqwal wa al-Afa'al (Treasures of the Doers of Good Speaks and Deeds), Researched Mahmoud Umar Damiaty, Beirut: Dar al-Kutub al-Islamiyyah, ۱۴۱۹ AH.
۲۹. Nouri, Hossein bin Muhammad Taqi, Mustadrak al-Wasa'il wa Mustanbat al-Masa'il, Qom: Al-Bayt Foundation for the Revival of Heritage (Muassasah Al al-Bayt li Ihya al-Turath), ۱۴۰۸ AH.
۳۰. Qushayri Neyshabouri, Muslim bin Hajjaj, Al-Jame' al-Sahih, Edited by Muhammad Fuad Abdul Baqi, Cairo: Dar al-Hadith, ۱۴۱۲ AH.
۳۱. Sadr, Seyyed Muhammad Baqir, Lessons on the Science of Principles of Jurisprudence, Beirut: Dar al-Kitab Lubnani, ۱۹۷۸.
۳۲. Sakhawi, Ali bin Muhammad, Jamal al-Qurra' wa Kamal al-Iqra', Beirut: Muassash al-Kutub al-Thaqafiyah, ۱۴۱۹ AH.
۳۳. Sayf, Susan et al., The Developmental Psychology ۱, Tehran: Ministry of Program and Budget, ۱۹۸۵.
۳۴. Shahid Thani, Zayn al-Din bin Ali, Munyah al-Murid fi Adab al-Mufid wa al-Mustafid (On the Etiquettes of Teacher and Student), Researched by Reza Mukhtari, Qom: Maktab al-Alam al-Islamiyyah, n.d.



۳۵. Sharif Razi, Nahj al-Balaghah, Translated by Muhammad Dashti, Qom: Mashhoor, ۱۳th Edition, ۲۰۰۱.
۳۶. Sheikh Baha'i, Muhammad bin Hossein, Miftah al-Falah fi Amal al-Yawm al-al-Laylah min al-Wajibat wa al-Mustahabbat wa al-Adab (The Key to Salvation on the Daily Performances of the Compulsories, Preferred and Etiquettes), Qom: Al-Sharif al-Radhi, n.d.
۳۷. Shubbar, Abdullah, Tafsir al-Quran al-Karim, Edited by Hamid Hafni Dawood, Qom: Dar al-Hijrah, n.d.
۳۸. Sultani Rinani, Seyyed Mehdi, "Teaching and Promoting the Quran in the Conduct of the Holy Prophet", Bayyinat, No. ۵۳, ۲۰۰۶.
۳۹. Tabari, Muhammad bin Jarir, Jame 'al-Bayan fi Tafsir al-Quran (A Comprehensive Expression on the Interpretation of the Quran), Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi, ۱۴۲۱ AH.
۴۰. Tabarsi, Hassan bin Fadhl, Makarim al-Akhlaq (Ethical Virtues), Beirut: Muassasah al-A'lami lil Matbu'at, ۱۹۷۲.
۴۱. Tabatabai, Seyyed Muhammad Hossein, Al-Mizan fi Tafsir Al-Quran, Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah, ۳rd Edition, ۲۰۰۰.
۴۲. Tirmidhi, Muhammad bin Isa, Sunan al-Tirmidhi, Cairo: Dar al-Hadith, Bita.
۴۳. Tusi, Muhammad bin Hassan, Tahdhib al-Ahkam, Edited by Ali Akbar Ghaffari, Tehran: Saduq, ۱۴۱۷ AH.
۴۴. Zarqani, Muhammad Abdul Azim, Manahil al-Irfan fi Ulum al-Quran (The Manifestations of Cognition in the Sciences of the Quran), Beirut: Dar Al-Ihya al-Turath Al-Arabi, n.d.